

۲۶ دلو روزی که ملت افغان اتحاد شوروی را شکست قطعی داد



۱۵ فروری ۱۹۸۹ شکست خفتبار عسکر شوروی با گذشتن از روی پل دوستی در حیرتان

مردم افغانستان باید در پهلوی روز استقلال افغانستان که در سال ۱۹۱۹ میلادی مطابق به ۱۲۹۸ هجری شمسی ذریعۀ اعلیحضرت شاه امان الله و ملت غیور افغان بدست آمد، روز باشکوه ۲۶ دلو ۱۳۶۷ ه ش که برابر به ۱۵ فروری ۱۹۸۹ م می باشد، با شکست فاحش و بازگشت ناکام و خفتبار اتحاد شوروی وقت میباشد، استقبال و قدردانی نماید.

با اینکه مشتی افغان قدرت طلب و استفاده جو که بعد از چنین پیروزی افتخار آفرین که باعث شکست بزرگترین ابر قدرت و قوای مجهز آن گردید، نه تنها همه سربازی های دلیرانه یک ملت و مجاهدین واقعی آنرا افتخار خود ها دانستند، بلکه با ایجاد نفاق و شقاق برای تصرف قدرت و زورمندی خاک مقدس افغانستان را یکبار دیگر مورد حملات و تخریب ددمنشانه قرار داده و جنگ داخلی مهلک آنان میلیون های دیگر را آواره و هزاران بیگناه هموطن را به خاک و خون و شهادت رسانیدند.

امروز ۲۶ دلو ۱۴۰۲ ه ش است ۳۴ سال از خروج اردوی ناکام اتحاد شوروی وقت، از افغانستان میگذرد. در حقیقت با عبور جنرال گروموف، آمر قوای نمبر ۴۰ اتحاد جماهیر اشتراکیۀ شوروی از شاهراه سالنگ، معبری که حقایق و اسرار تاریخی زیادی را از آغاز لشکر کشی آن مملکت متجاوز

ببعد در سینه مدفون دارد، اشغال شرم آور و ناحق افغانستان توسط قوای مذکور، با سر افگندگی و یک شکست آشکارا، رسماً به پایان رسید.

متأسفانه جای پای آن دوران خونین و جنایاتی که حزب دیموکراتیک خلق و اعضای خاک فروش وابسته به آن، یعنی خیانت پیشگان «**خلفی و پرچی**» در مدت کمتر از ده سال مرتکب گردیدند و هواخواهانیکه هنوز هم از آن سفاکان پستی بانی می نمایند، تا بحال مردم مظلوم و بی دفاع افغانستان را از هر گونه احساس آرامش و صلح کاملاً محروم نموده است.

در اواخر دهه ۸۰ میلادی، بعد از ناکامی های آشکارای قوای اشغال گر اتحاد شوروی و تلفات سهمگین مالی و جانی در افغانستان و پیروزی مجاهدین واقعی و سر به کف و بیشتر از یکو نیم ملیون شهید هموطن ما، قوای شکست خورده شوروی، دست از پا دراز تر مجبور به بازگشت به روسیه گردید.

بنابراین واضح است که بعد از شکست آشکارا و خفت بار آن ابر قدرت در افغانستان و انهدام مادی و معنوی اش در صحنه سیاست و قدرتمندی جهانی آن، اعتبار روسیه در جامعه بین المللی از یکسو و حاکمیت و نفوذ وی بر اقمار و ممالک اروپای شرقی، سرزمین های آسیای مرکزی و حتی در بین خود ایالات مربوطه آن مملکت، کاملاً متزلزل گردید.

مفکوره اینکه روسیه با شکست مدش در افغانستان دیگر نمیتوانست با ملل آزادی خواه و قیام های استقلال طلبانه آنها مقابله نماید، در سر زمین های محکوم، قوت های ملی و مردمی را تقویه بخشید چنانچه در سال ۱۹۸۹ از مینه جنبش هم بستگی اتحادیه های کارگری در پولند و هنگری توانستند که دولت های کمونیستی موجود را به عقب بزنند. در خود اتحاد شوروی هم بعد از شکست فاحش و بی سابقه در افغانستان، از روی اجبار با آمدن میکائیل گورباچف، مفکوره Perestroika یا «**ریفورم اقتصادی**» بر اساسات سیستم «**شوروی**» که در حال انهدام قطعی بود، تغییرات زیادی را در مملکت وارد نمود.

درین شرایط، انهدام دیوار برلین هم در ۹ نوامبر ۱۹۸۹ به وقوع پیوست و بدون کدام مقاومت از جانب اولیای امور، با یک تزلزل روحیه، پولیت بیروی جمهوری دیموکراتیک آلمان، روز قبل استعفاء نمود و فردای آن رفت و آمد بین شرق و غرب بر روی دیوار منهدم گشته، آزاد گردید.

باید تصریح نمود که آن همه تغییرات فاحش جهانی را که شکست مدش شوروی سابق در افغانستان در پی داشت، بر همه ملل جهان و بر تاریخ روشن است که نتیجه جهاد بینظیر ملت افغان با تلفات سهمگینی که متحمل گردیدند، بوده است. برعکس با تمام اشتهارات میان تهی، جهاد مردم افغانستان

به مقابل ابر قدرت شوروی هرگز نمیتواند که کار روایی يك عده ای انگشت شمار تنظیم های تشنه قدرت و ثروت جهادی باشد که همواره با شقاوت، ملت افغانستان را با مظالم، بیدادگری، چور و چپاول دارایی های عامه، تفرقه اندازی بین اقوام شریف آن و هزاران درد بیدرمان دیگر، با قدرت نمایی های موروئی گروکان گرفتند و دهه های بعد هم مملکت را به طرف بی امنی، جنگ، فقر و مصائب بیشمار دیگر سوق می دهند!

بعد از شکست شوروی، خاک فروشان «خلق و پرچم» توسط صبغت الله مجددی، بدون داشتن صلاحیت ملی مورد عفو قرار گرفتند و بالافاصله حزب جنایتکار «پرچم» با شورای نظار و جمعیت ربانی ادغام نمود.... بعداً برهان الدین ربانی که ادعای جهاد با روسیه را داشت، غرامات جنگی ملت افغان را که به تخمین بانک جهانی بیشتر از ۴۵ میلیارد دالر میگردید، در اولین فرصت، به رئیس جمهور «ولادیمیر پوتین» پیشکش نمود. با نصب حامد کرزی بر قدرت، جنایتکاران جنگی هر دو دوره جنگ های خونین افغانستان، با ارتشاء و فشار بالای پارلمان و حکومت، خط بطلان بر جنایات بشری آشکارای خویش کشیده و با پامال عدالت، خود ها را «عفو» نمودند.... دردا که دولت کرزی تاریخ دهه های جنایات بی سابقه و کشتار های هموطنان خویش را که صفحات تاریخ جهان مملو از نقش سیاه ابدی آن هست، با سوء استفاده از روش یک دولت فاسد و بی کفایت، از کتب درسی و دید اولاد معارف با وقاحت تمام، میزدایند و بر چشم ملیون ها شاهد عینی مذبحانه خاک می پاشند!

نتیجتاً بعد از شکست و ناکامی بنیادی اتحاد شوروی، ملت درد کشیده و جنگ دیده، با آغاز «جنگ های خونین کابل» و تخریب آن شهر آباد و باستانی و قتل ۵۶ هزار سکنه بی گناه آن، که آبادی بنیادی و امنیت مجدد آن از محالات است، نه تنها مزه پیروزی و قربانی را در راه آزادی افغانستان نچشیدند، بلکه با قدرت طلبی و سرمایه اندوزی تنظیم های جهادی با سیل خون، راکت پرانی بر خاک مقدس افغانستان و تصرف و تقسیم و ترکه شهر کابل، جنگ های مدهش و خانمان سوز مجال بازخواست و تأمین عدالت اجتماعی را از نزد ملت افغانستان زائل نمود، طوریکه اعضای خیانت پیشه و وطن فروش خلق و پرچم که مستحق بازخواست و حساب دهی به مردم مظلوم کشور بلا دیده بودند، قسماً در اثر ادغام و بستگی با تنظیم های منافق، در کار های دولتی و دوایر جلب شدند و تعداد زیادی هم، منجمله سر کرده ها و آنانی که بدون تردید باید به محاکم عدلی و قضایی تسلیم میگردیدند، با انواع زد و بند های پشت پرده راهی خارج یعنی «ممالک غربی» گردیدند و در خوان

خیرات آن کشور ها جذب گردیدند..... همان خاصیت خود فروشی این از زیر دار گریختگان، به عوض پناهندگی به مملکت بادار، یعنی اتحاد شوروی، آنها را به جهان غرب که به زعم آنان «امپریالیست های خطا کار» بودند محتاج و برای همیشه سر افکنده ساخت....بدون تردید به هدایت دولت شکست خورده روسیه و ادغام حزب پرچم با ائتلاف شمال، تنها ۱۰۰۰ پاسپورت به زود ترین فرصت از جانب «احمد شاه مسعود» که با ارتباط با آن دولت سفاک قرار داد های غیر ملی ای در دست داشت، در عصر خونین برهان الدین ربانی مکار، برای فرار سردمداران پرچم و هواخوان شناخته شده آنان تهیه گردید....همین مسعودی که در عصر اشغال افغانستان عزیز پروتوکول ها و معاهداتی برای حفظ سالنگ ها و پایپ لین گاز و قلع و قمع مجاهدین در آن شاهراه به نفع و حفظ قوای زمینی اتحاد شوروی با آن ابر قدرت اشغالگر امضاء نمود.

البته خلقی ها هم با پیوستن با حزب اسلامی گلبدین حکمتیار که با مسعود مشترکاً در اثر راکت پرانی ها و جنگ های آتشین، تراژدی و فاجعه انسانی شهریان بی دفاع کابل را بار آوردند، پیوستند و از عدالت و حساب دهی نجات یافتند.

امروز بدون اندکی احساس خفت و ندامت، مشاهده میگردد که برخی هم از آن دو گروه وطن فروشان با سوابق آشکارا قلم به دست گرفته و برای خاکی که با شتارت و شواهد به فروش آن به دشمن قهاری چون اتحاد شوروی سفاک، اقدام ورزیدند شعار های ملی و مردمی سر میدهند....می بینیم که وبسایت هایی با پرده ای از ملی گرایی چهره هایی را از پرچم، خلق و هواخواهان و همگامان زن و مرد وابسته به آن احزاب که آشکارا به سرزمین مقدس و مردم بی دفاع افغانستان سخت جفا روا داشته اند، با نقابی بر چهره حمایت نموده و موجودیت علنی آنان را دقیقاً بر مردم مظلوم و خیانت دیده افغانستان تحمیل می نمایند.

در خاتمه با دعا و درود به روح پر فتوح مجاهدین شهید افغان و آن قهرمانان واقعی این خطه پاک، بزرگداشت ۲۶ دلو، روز تاریخی خروج خفت بار قوای اشغالگر شوروی سابق را به ملت مظلوم و رنجور افغان تهنیت گفته و معتقدیم که علی الرغم این همه نابسامانی ها و حمایه از جنایتکاران و خائنین ملی و قدرتمندی آنان بر مقدرات مردم بی دفاع افغانستان عزیز، روز بازخواست و عدالت خداوندی يك جامعه سالم را با صلح و امنیت نصیب هموطنان جنگ دیده و دردمند ما خواهد نمود.
به امید آنروز!